

سیره تربیتی اهل بیت (ع) در شکوفاسازی استعدادهای کودک و نوجوان*

□ محمد جمعه شیخزاده

طلبه سطح چهار مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

چکیده

دوران کودکی و نوجوانی، دورانی است که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد. اسلام به عنوان کامل‌ترین آیین الهی، فراگیرترین برنامه‌های تربیتی را از سوی خداوند برای شکوفاسازی قابلیت‌های انسان به ارمغان آورده است. از آنجا که برنامه‌های تربیتی اسلام در مرحله نظری دستورالعمل‌هایی است که به صورت کلی بیان شده و اجرایی ساختن و تنظیم رفتارها بر اساس آن به آسانی میسر نیست، قرآن پیامبر (ص) و ائمه (ع) را به مثابه الگوهای عملی و تبیین‌کننده در مسائل دینی معرفی کرده است. این مقاله به تبیین سیره تربیتی اهل بیت (ع) برای شکوفاسازی استعدادها و خلاقیت‌های کودک و نوجوان پرداخته است. آنچه به عنوان نتایج این پژوهش می‌توان مطرح ساخت این است که سرکوب بعضی از ابعاد وجودی یا پرورش ناموزون آن، از جمله آسیب‌ها و چالش‌هایی است که فراروی فرایند تربیت صحیح کودک و نوجوان قرار دارد. در برنامه‌های تربیتی اهل بیت (ع)، به همه ابعاد توجه شده است.

کلید واژه‌ها: اهل بیت (ع)، سیره تربیتی، شکوفایی استعدادها، بعد جسمی، بعد روانی، حس دینی و جامعه‌پذیری.

* وصول: ۱۳۸۷/۱۰/۳۰؛ تصویب: ۱۳۸۷/۱۲/۱۰.

مقدمه

تعیین خط‌مشی برای انسان، فرع بر این است که نخست او را به درستی بشناسیم. ویل دورانت، فیلسوف، تاریخ‌نگار و نویسنده بر این باور است که «نشان دادن دورنمای زندگی ممکن نیست، زیرا زندگی اساساً راز نهانی است و رودخانه‌ای است که سرچشمه آن ناپیداست و در سیر تکامل آن نکته‌ها و باریکی‌های بی‌پایانی است که اندیشه را در آن راه نیست تا چه رسد به بیان و گفتار» (ویل دورانت، *لذات فلسفه ۱۳۱۰: ۴۵۶*) سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است: پس چگونه می‌توانیم برای رشد و تکامل این موجود ناشناخته، برنامه‌های مناسب و مفید تربیتی تدوین نماییم؟ البته این را هم انکار نمی‌کنیم که عالمان و دانشمندان تلاش‌های بی‌وقفه و ارزشمندی را در زمینه شناخت ابعاد وجودی انسان به طور عام و کشف دنیای کودک و نوجوان به صورت خاص انجام داده‌اند و راهکارهای بسیاری را نیز ارائه کرده‌اند؛ اما هنوز هم تا آن راز غایی و نهایی، یعنی رشد و تکامل مطلوب، فرسنگها فاصله دارند. بنابراین، به این نتیجه می‌رسیم که انسان بدون کمک و راهنمایی دین، قادر نیست استعدادهای درونی و فطری خویش را شکوفا و به سوی کمال رهنمون سازد.

بر اساس جهان بینی اسلام، «حیات، نردبانی بسیار بلند است که از نازل‌ترین تا بلندمرتبه‌ترین سطح برکشیده شده است. در فروترین مرتبه، حیات نباتی قرار دارد. در فزاینده‌ترین مرتبه، حیات خدا قرار دارد» (باقری، *پژوهشی برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۱۰: ۷۰*). در این نموداری که از جهان هستی رسم شده است، جایگاه اولیه انسان به خوبی نشان داده شده است؛ اما در وجود این موجود فرودین، قابلیت‌هایی به ودیعه گذاشته شده که اگر بر اساس مبانی آموزه‌های تربیتی اسلام پرورش یابد و شکوفا گردد، هر یک از این قابلیت‌ها وسیله‌ای برای صعود به سوی بلندمرتبه‌ترین سطح از هستی، یعنی «کمال مطلق، می‌شود».

برنامه‌های تربیتی اسلام در مرحله نظری دستورالعملهایی است که به صورت کلی بیان شده است. اجرایی ساختن و تنظیم رفتارها بر اساس آنها به آسانی میسر نیست. از این رو، قرآن پیامبر(ص) و ائمه(ع) را به مثابه الگوهای عملی و تبیین کننده در مسائل دینی معرفی کرده است: «لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة»؛ (احزاب: ۲۱). «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.»

سیره تربیتی اهل بیت(ع) برای شکوفاسازی استعدادها و خلاقیت‌های کودک و نوجوان چگونه و بر چه اساس و معیاری بوده است؟ این سؤال مهمی است که همواره برای رهروان اهل بیت(ع) مطرح است. این مقاله با تحقیق در منابع دینی کوشیده است برای این پرسش پاسخی بیابد.

۱. ویژگیها و استعداد‌های کودک و نوجوان

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین دورانهای زندگی انسان، دوران کودکی و نوجوانی است. در این دوران، شخصیت فرد پایه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد. از آنجا که رشد و شکوفایی استعداد‌های کودک، همزمان در ابعاد مختلف شخصیت - بدنی، عاطفی، اجتماعی و دینی - صورت می‌پذیرد، کاری ظریف و پیچیده است.

«قرآن، انسان را موجودی می‌شناسد مرکب از بدن و روح که هویت الهی دارد. در بعد الهی خود، از آغاز آفرینش، برخوردار از فطرت متعالی و انسانی می‌باشد. حقیقت فطرت عبارت است از ویژگیهای انسانی و گرایشهایی مانند دین‌خواهی، حقیقت‌جویی، زیبایی‌دوستی، گرایش به پرستش و... که بالقوه موقع تولد در انسان وجود دارند و باید به فعلیت رسیده، راه رشد را طی کنند» (مطهری، مجموعه آثار ۴۵۵/۳: ۱۳۱۲).

در برنامه‌ریزیهای تربیتی، شناخت ویژگیها و استعداد‌های کودک اهمیتی فوق‌العاده دارد. «اطلاعات حاصل از مطالعه رشد و تحول کودک از آن نظر با اهمیت

است که به شکل گیری تدابیر تربیتی کمک می‌کند و راههایی را به مربیان و والدین نشان می‌دهد که شرایط لازم را برای رشد و شکوفایی کودکان و نوجوانان فراهم می‌آورد» (کلیدور، روانشناسی تربیتی ۱۳۸۲: ۱۸). امام علی(ع) فرمود: «لا تقسروا اولادکم علی آدابکم فإنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه ۱۳۷۹: ۲۸/۲۰). فرزندان خویش را به آداب و نوع تربیت رایج زمان خودتان محدود نسازید؛ زیرا آنان برای روزگاری غیر از روزگار شما آفریده شده‌اند.» شاید منظور حضرت، تفاوت نگاه فرزندان به زندگی باشد؛ یعنی کودکان از دنیا و زندگی تصور خاص خود را دارند، نه آن گونه که پدر و مادر دارند. نکته بسیار مهم تربیتی که در این زمینه به دست می‌آید، این است که در مقام تعامل، این پدر و مادر و بزرگسالان هستند که باید خود را در شرایط سنی کودکان قرار دهند و با آنها کودکی کنند نه اینکه از کودکان بخواهند که مثل بزرگ‌ترها باشند. امام علی(ع) می‌فرماید: «من کان له ولد صبا (حرامی، وسایل الشیعه ۱۴۰۹: ۴۱۶/۲۱)؛ کسی که فرزند کودکی دارد، با او کودکی کند.»

چون که با کودک سروکارت فتاد پس زبانی کودکی باید گشاد یکی از ویژگیها کودک و نوجوان، قدرت گیرندگی بالای اوست که هر آنچه را می‌بیند و می‌شنود دریافت می‌کند. امام علی(ع) کودک و نوجوان را در مرحله تربیت به زمین آماده زرع، تشبیه کرده و به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید: «انما قلب الحدث كالارض الخالية ما ألقى فيها من شيء قبلته فبادرتك بالادب قبل أن يقسو قلبك و يشتغل لبك (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه ۱۳۷۹: ۶۶/۱۶)؛ قلب نوجوان چون زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس، در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیزی دیگری مشغول گردد.»

شناخت ویژگیها و استعدادها، شرط لازم است اما کافی نیست. در ضمن شناسایی، نکته مهم سمت‌وسو و چگونگی شکوفاسازی آنهاست. «در قرآن کریم، همه یا بسیاری از آیات، در جهت تقویت و رشد آگاهیهای لازم و سوق دادن جهان‌بینی انسان به سمت بینش یکپارچه و منسجم توحیدی قرار دارد» (رزاقی، مجله معرفت ۱۳۸۲: ۴۸). بر این اساس است که در برنامه‌های تربیتی اهل‌بیت(ع) تأمین نیاز جسمی که با تغذیه سالم صورت می‌پذیرد، با مسئله حلال و حرام قرین می‌شود تا شکوفا نمودن این بعد در جهت جهان‌بینی توحیدی و کمال مطلوب واقع شود.

اغلب روان‌شناسان رشد معتقدند که رابطه عاطفی کودک با اطرافیان به خصوص مادر، نقش تعیین کننده در رشد اجتماعی او دارد؛ یعنی نحوه ارضای نیازهای اولیه کودک سازنده نگرش آینده او به دیگران است. با نگاهی گذرا به احکام و فرمانهای تربیتی اهل‌بیت(ع) این امر روشن می‌شود که در بحث ویژگیها و استعدادها، توجه به دو مسئله بسیار مهم و اساسی است. یکی از آن رو آگاهی به خلقت اولیه؛ یعنی نیازهای ذاتی انسان است که باید شکوفا گردد. مسئله مهم‌تر چگونگی به فعلیت رسیدن این قابلیت‌های ذاتی است که آن را در سیره عملی اهل‌بیت(ع) پی می‌گیریم.

۲. شکوفایی بعد جسمی

تربیت جسمی و روانی کودک و نوجوان با نگاهی دینی، در دوران ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تن‌پروری و جسم‌پروری در اسلام مذموم است، اما تقویت جسم به معنای نیرومند کردن و سالم نگاه داشتن جسم، بدون شک ممدوح و تقریباً از ضروریات اسلام است (مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام ۱۳۸۶: ۴۸). دین اسلام به این حیطه‌ها توجه ژرف دارد و برنامه‌های دقیق و مفیدی برای شکوفایی آن ارائه داده است. در این بخش به آموزه‌هایی اشاره می‌شود که غالباً پاسخگوی نیازهای جسمی و مادی کودک است.

۲-۱. تغذیه

بیشترین رشد کودک بعد از دوران جنینی، سالهای اول کودکی است. در این مرحله، نخستین و شدیدترین نیاز کودک را تغذیه سالم تشکیل می‌دهد که عبارت است از:

الف - شیر مادر

شیر مادر، پاک‌ترین و سالم‌ترین غذای نوزاد است. این موهبت خداوندی، غذایی است که کودک برای زنده ماندن به آن نیازمند است. معصومان(ع) شیر مادر را ماده‌ای حیاتی و دارای ارزش غذایی بی‌مانند برای کودک می‌دانند. امام رضا(ع) از پیامبر(ص) نقل می‌کند: «لیس للصبی لبن خیر من لبن امه (مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۴: ۱۰۳/۳۲۳)؛ برای کودک، شیری بهتر از شیر مادرش نیست.»

گفته شد که برنامه‌های تربیتی اهل بیت(ع) بر اساس نگاه به بالا، یعنی «کمال مطلق»، طراحی و تنظیم شده است. لذا تربیت جسم باید به گونه‌ای صورت پذیرد که در ضمن رشد و شکوفایی ابعاد جسمی از مسیر کمال مطلق نیز خارج نگردد. از آنجا که مادر فقط تأمین کننده نیازهای مادی کودک نیست، بلکه تأثیرات روحی و روانی فراوانی دارد، امام علی(ع) می‌فرماید: «انظروا من ترضع اولادکم فان الولد یشب علیه (کلینی، الکافی ۱۳۶۵: ۴۴/۶)؛ به دایه‌ای که فرزندان شما را شیر می‌دهد، خوب بنگرید؛ زیرا کودک همانند وی می‌شود.» نیز می‌فرماید «تخیروا للرضاع کما تخیرون للنکاح، فان الرضاع یغیر الطباع (حرعاملی، وسائل الشیعه ۱۴۰۹: ۲۱/۴۶۸)؛ برای شیر دادن [از میان دایه‌ها، دایه‌ای مناسب] برگزینید، همانگونه که در پیوند زناشویی [از میان دختران، دختر مناسب] برمی‌گزینید؛ چون شیر دادن سرشت کودک را دگرگون می‌سازد.»

نکته قابل توجهی که در برنامه‌های تربیتی اهل بیت(ع) وجود دارد، این است که پس از ارائه آگاهیها و آموزشهای لازم برای تقویت و پرورش جسم، نوبت تشویق و اهدای پاداش به کاربران این آموزه‌هاست. ام سلمه از پیامبر(ص) درباره زانی پرسید که به همسر و فرزندان خود خدمت می‌کنند. پیامبر(ص) پاداشهای فراوانی را برای زنان برشمرد و از جمله فرمود: «فاذا ارضعت فلها بكل رضعة تحریر رقبة من ولد اسماعیل (مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۴: ۱۰۳/۳۵۱)؛ هنگامی که مادر به نوزاد شیر می‌دهد، در هر نوبت شیردادن، پاداش آزادکردن یک بنده از فرزندان اسماعیل را می‌برد.»

ب - غذاهای جایگزین

امام صادق(ع) می‌فرماید: «اسقوا صبیانکم السویق فی صغرهم، فان ذلك ینبت اللحم و یشد العظم؛ و من شرب السویق اربعین صباحاً امتلات کتفاه قوة (مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۴: ۱۰۳/۳۵۱)؛ به نوزاد خود آردپخته شده (فرنی گندم) بنوشانید، چون این نوع غذا گوشت را می‌رویاند و استخوان را محکم می‌سازد. هرکس چهل بامداد فرنی گندم یا جو بخورد، بازوانش پرنرژی می‌شود.»

از آنجا که گندم و جو، از غلات بسیار مهم مغذی و سرشار از مواد معدنی است، کارشناسان امر تغذیه توصیه می‌کنند که فرنی گندم و جو برای شروع غذای کمکی نوزادان استفاده شود (رشیدیپور: پایگاه اطلاع رسانی تغذیه و سلامت). سیره اهل بیت(ع) نشان می‌دهد که آنان بعد از به پایان رسیدن دوران شیرخوارگی، به فکر نظام صحیح تغذیه‌ای بوده‌اند که بتواند جایگزین مناسب شیر مادر و ضامن رشد و سلامت کودک باشد.

زید از پدرش علی بن الحسین(ع) نقل می‌کند: «کان رسول الله(ص) یمضغ اللحم و التمرة حتی تلین، فیجعلها فی فم علی و هو صغیر فی حجره (مجلسی، بحار الانوار

۱۴۰۴/۳۲۳/۳۱؛ پیامبر خدا(ص) گوشت و خرما را می‌جوید تا نرم می‌شد؛ آنگاه آن را در دهان علی(ع) که در کودکی در خانه آن حضرت بود می‌گذاشت.» و نیز می‌فرماید: «ان فاطمة(س) كانت تمضغ للحسن ثم للحسين(ع) و هي صائمة في شهر رمضان (کلینی، الکافی ۱۳۶۵: ۴/۱۱۴)؛ فاطمه(س) غذای جویده به امام حسن و سپس به امام حسین(ع) می‌داد، در حالی که خود او در ماه رمضان روزه‌دار بود.» علی(ع) سفارش می‌کند: «اطعموا صبيانكم الرمان فانه اسرع لالستهم (کلینی، الکافی ۱۳۶۵: ۶۶/۱۵۵)؛ به کودکان خود انار بخورانید؛ زیرا خوردن انار رشد زبانی و گفتاری کودک شما را در پی می‌آورد.»

سیره تربیتی اهل بیت(ع) نشان می‌دهد که نظام تربیتی اسلام، به پرورش و شکوفایی ابعاد جسمی کودک توجه خاص دارد. تأمین نشدن نیازهای زیستی نه تنها سلامت جسمی را به مخاطره می‌اندازد که باعث ایجاد اختلال در روان انسان نیز می‌شود. «هر فردی علاقه شدید به رشد بدن خود در دوره بلوغ دارد و دائماً خود را با رفقای همسن خویش مقایسه می‌کند. کندی رشد باعث ناراحتی فرد می‌شود» (شریعت‌مداری، روانشناسی تربیتی ۱۳۸۵: ۱۵۷).

۲-۲. بهداشت و نظافت

دین اسلام به بهداشت تن و روان توجه خاصی دارد و توصیه‌های فراوانی می‌کند که جسم و جان را از تمام آلودگیها پاک نگه‌دارید. پیامبر(ص) می‌فرماید: «تنظفوا بكل ما استطعتم، فإن الله تعالى بنى الاسلام على النظافة، و لن يدخل الجنة إلا كل نظيف (ری شهری، میزان الحکمه ۱۴۲۲: ۱۰/۴۳۵۴)؛ هر چه قدرت و توان دارید نظافت و پاکیزگی را رعایت کنید. همانا خداوند اسلام را بر نظافت بنا کرده، و وارد بهشت نمی‌شود مگر آنکه همواره پاک و پاکیزه باشد.»

رسول خدا(ص) در جای دیگر با بیان ظریف و لطیفی پیروان دین اسلام را به رعایت نظافت، ترغیب و تشویق نموده است: «إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ، يُحِبُّ الطَّيِّبَ، نَظِيفٌ، يُحِبُّ النَّظَافَةَ (ری شهری، میزان الحکمه ۱۴۲۲: ۱۰/۴۳۵۵؛ همانا خداوند نیکوست، نیکو را دوست دارد؛ پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد.»

رهبران معصوم(ص) بهداشت و سلامت را ملازم هم می دانستند. لذا می بینیم که برای تضمین سلامتی فرزندان خویش و دیگران، برنامه های بهداشتی بسیاری را مراعات می کردند. یکی از برنامه های بهداشت و سلامت، ختنه کردن فرزندان در روز هفتم تولد است. امام علی(ص) می فرماید: «اِخْتَنُوا اولادکم یوم السابع لایمنعکم حر و برد؛ فانه طهور للجسد، و ان الارض لتضج الی الله تعالی من بول الاغلف (حرعاملی، وسائل الشیعه ۱۴۰۹: ۲۱/۴۶۸)؛ فرزندان را در روز هفتم ولادتشان ختنه کنید و هیچ مانعی از قبیل گرما و سرما شما را از این عمل باز ندارد؛ چون ختنه، پاک کننده جسم است و زمین از ادرار کسی که ختنه نشده است، نزد خدا شکایت می کند.»

از دعایی که اهل بیت(ص) هنگام ختنه کردن فرزندان خود می کردند، می توان علت، آثار و پیامدهای ختنه را به دست آورد. از امام صادق(ص) نقل شده است که هنگام ختنه این دعا را می خوانند: «اللهم فطهره من الذنوب، وزد فی عمره و ادفع الآفات عن بدنه و الأوجاع عن جسمه و زده من الغنی و ادفع عنه الفقر (صدوق، من لایحضره الفقیه ۱۳۶۷: ۲۸۸۳)؛ پروردگارا! فرزندم را از گناهان پاک کن و بر عمر او بیفزای و آسیبها را از بدن و مرضهای دردناک را از جسمش دفع کن و دارایی او را بسیار فرما و تنگدستی را از او برطرف گردان.»

نکته قابل توجه این است که تحقیقات و علوم امروز، بعد از چندین قرن، تازه به معجزات مفسران واقعی دین پی برده اند و انگشت حیرت به دهان گذاشته اند و

نتایج تحقیقات خویش را این گونه اعلام کرده‌اند: مهم‌ترین فایده ختنه، پیشگیری از ابتلای نوزادان و شیرخواران به عفونتهای دستگاه ادراری است. عفونت ادراری نوزادان و شیرخواران می‌تواند عوارضی بسیار خطرناک داشته باشد؛ عوارضی که ممکن است باعث از بین رفتن بافت کلیوی و نهایتاً نارسایی کلیوی شود. در بررسیهای انجام شده مشخص شده است که ۷۵ درصد اطفال زیر سه ماه دچار عفونت ادراری، پس‌رند و ۹۵ درصد این پسرها ختنه نشده بوده‌اند. ختنه به جز ایدز، از ابتلا به بیماریهای عفونی دیگری نیز پیشگیری می‌کند. چون زیر پوست ختنه‌گاه محیط خوبی برای رشد باکتریها و ویروسهاست، برداشتن آن از ابتلا به بیماریهای عفونی موسوم به بیماریهای منتقل شونده به روش جنسی جلوگیری می‌کند. یکی دیگر از فواید ختنه پیشگیری از ابتلا به سرطان است. به این ترتیب که در کشوری مثل هند که ختنه کردن در آن رواج ندارد، میزان سرطان آلت تناسلی مرد ده برابر کشوری مثل دانمارک است که در آن ختنه رواج دارد (پایگاه اطلاع رسانی: هفته‌نامه سلامت).

تحقیقات تازه نشان داده است که ختنه می‌تواند در جلوگیری از انتشار ویروس «اچ‌آی‌وی» در میان مردان مؤثر باشد. این مطالعه روی بیش از سه هزار مرد در آفریقای جنوبی و توسط آژانس فرانسوی «ایدز و هپاتیت‌های ویروسی» انجام شد. این داده‌ها که در کنفرانسی در برزیل تشریح شد نشان می‌دهد که ختنه مردان باعث جلوگیری از آلودگی به ویروس «اچ‌آی‌وی» در هفت نفر از هر ده نفر می‌شود (پایگاه اطلاع‌رسانی: دانش و فن)

۲-۳. ورزش

ورزش اجرای تمرینهای بدنی به منظور تکمیل قوای جسمی و روحی است (معین، فرهنگ معین ۱۳۷۱: ۴/۲۰۰۵). اگر تمرینهای بدنی به طور منظم انجام گیرد، سلامت جسمی و عقلی را حفظ می‌کند و کیفیت زندگی را در طول سالهای آینده

بهبود می‌بخشد.

از جمله آموزه‌های دین اسلام برای رشد و تربیت بدنی، ورزش است. معصومان(ع) آموزش «شنا، کشتی و تیراندازی» را از حقوق فرزندان می‌دانستند و فرزندان خویش را با این ورزشها آشنا می‌کردند. پیامبر(ص) می‌فرماید: «علموا اولادکم السباحة والرمایة (کلینی، الکافی ۱۳۶۵: ۴۷/۶)؛ شنا و تیراندازی را به فرزندانتان آموزش بدهید.»

نیز می‌فرماید: «حق الولد علی والده ان یعلمه الكتابة، و السباحة، و الرماية، و ان لا یرزقه الا طیباً (ری شهری، میزان الحکمه ۱۴۲۲: ۱۰/۱۲۰)؛ از حقوق اولیه فرزند بر پدر این است که به فرزندش نوشتن، شنا و تیراندازی تعلیم دهد و جز روزی پاک و حلال به او ندهد» اسلام در عین حال که به فکر رشد و تربیت بدنی فرزند است و آن را از حقوق فرزند می‌شمارد، در همین حال تأکید می‌کند که جز روزی پاک و حلال به او ندهید، چون مال حرام او را از مسیر کمال خارج می‌کند.

اهل بیت(ع) به فرزندان خویش کشتی، اسب سواری و تیراندازی آموزش می‌دادند. در روایت آمده است: «حسن و حسین(ع) در حضور پیامبر(ص) کشتی می‌گرفتند و تیراندازی و اسب سواری می‌کردند» (اصفهانی، زندگانی امام حسین ۱۳۶۶: ۳۴). شنا، اسب سواری و کشتی از مفرح‌ترین، مفیدترین و طبیعی‌ترین ورزشهای امروزی محسوب می‌شود. «ورزش منظم برای بیشتر دستگاههای بدن، به ویژه دستگاه قلبی، عروقی، دستگاه عضلانی، اسکلتی و دستگاه تنفسی، سودمند است. ورزش کردن همچنین با فراهم کردن انبساط خاطر، کاهش استرس و ایجاد تغییراتی که باعث بهبود خلق می‌شوند، برای سلامت ذهنی هم مفید است» (www.salamatiran.com).

۳. شکوفایی بعد روحی و روانی

بعد از اهتمام به بعد مادی و بروز و ظهور آن، مسئله مهم و اساسی دیگری که در برنامه‌های تربیتی اهل بیت (ع) وجود دارد، توجه و عنایت خاص به بعد روحی و روانی کودک است. گام برداشتن در این حیطه، دقت و آگاهی افزون‌تری می‌طلبد. بر مریبان و والدین است که با درایت و تیزبینی، این نیازها را شناسایی کنند و به آن پاسخ مناسب و مفید دهند.

۳-۱. محبت

یکی از احتیاجات اساسی روانی کودکان، احتیاج به محبت است. کودک میل دارد مورد محبت دیگران واقع شود و خود نیز به دیگران ابراز محبت کند (شریعت‌مداری، روانشناسی تربیتی ۱۳۸۵: ۱۰۷). حال باید دید معصومان (ع) راجع به این نیاز فرزندان چه دیدگاهی داشتند و به آن چگونه و در چه زمانی پاسخ می‌دادند. امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند: «من قبل ولده کتب الله عزوجل له حسنة و من فرحه فرحه الله يوم القيامة (کلینی، الکافی ۱۳۶۵: ۴۹/۶)؛ کسی که فرزندش را ببوسد، خداوند در پرونده او عمل نیک می‌نویسد و کسی که فرزندش را خوشحال کند، خداوند او را در روز قیامت خوشحال می‌کند.» در اهمیت و ضرورت محبت به فرزند، همین بس که خداوند بوسیدن او را عمل نیکو می‌داند و برای مسرور کردن او پاداش قطعی در نظر می‌گیرد. در دیوان عدل الهی، پاداش آنها بدون حساب و کتاب نیست: «فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره» انسانها براساس اعمال مفیدی که انجام داده‌اند، مستحق دریافت پاداش می‌شوند. بنابراین، در آموزه‌های تربیتی اسلام، اصل محبت و نیاز فرزند به آن امر مسلم و پذیرفته شده‌ای است.

پیامبر (ص) و ائمه (ع) پاسخگویی به این نیاز فرزند را از همان زمان تولد شروع

می کردند. البته چگونگی و کیفیت آن در مرور زمان و در مراحل مختلف متفاوت بود. معصومان(ع) با تبسم، بوسیدن و یا هدیه دادن این نیاز فرزندان را تأمین می کردند. درباره محبت پیامبر(ص) به امام حسن و امام حسین(ع) آمده است: «انه وضعهما فی حجره و جعل یقبل هذا مرة و هذا مرة؛ فقال قوم: أتحبهما یا رسول الله؟ فقال: مالی لا احب ریحانتی من الدنیا (مجلسی، بحارالانوار ۱۴۰۴: ۴۳/۲۸۱)؛ فرستاده خدا(ص)، آن دو را به اتاق خود فرا می خواند، گاه حسن(ع) را می بوسید و دیگر بار حسین(ع) را. گروهی به آن حضرت عرض کردند، ای فرستاده خدا، آیا آن دو را خیلی دوست داری؟ پیامبر(ص) بی درنگ فرمود: برای من در این دنیا هیچ چیز دوست داشتنی تر از دو دسته گلم وجود ندارد.»

ثوبان، غلام پیامبر(ص) نیز درباره محبت کردن آن حضرت به دخترش فاطمه می گوید: «هر وقت پیامبر(ص) به مسافرت می رفت، فاطمه(س) آخرین نفر از افراد خانواده بود که حضرت با او خداحافظی می کرد و هنگام مراجعت نیز نخستین کسی بود که ملاقات او می رفت.» (رحمانی همدانی، فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر ۱۳۷۶: ۱۶۵).

درباره هدیه دادن اهل بیت(ع) به فرزندانشان نقل شده است: «امام جواد(ع) که از مدینه عازم عراق بود، به فرزند عزیزش امام هادی(ع) فرمود: از سوغاتی عراق چه چیزی را دوست داری که برای تو بیاورم؟ امام هادی(ع) عرض کرد: شمشیر و...» (سحاب، سرور الفوائد ۱۳۶۴: ۱۱۵).

الف - ابراز محبت

امام صادق(ع) می فرماید: «إذا احببت رجلاً فاخبره بذلك فانه اثبت للمودة بینكما (کلینی، الکافی ۱۳۶۵: ۲/۶۴۴)؛ هرگاه شخصی را دوست داشتی، دوستی خود را به او اعلام کن، زیرا این عمل انس و الفت را بین شما پایدارتر می کند.»

از سیره تربیتی اهل بیت (ع) به دست می‌آید که صرف دوست داشتن و رفتارهای مهربانانه با فرزندان کافی نیست. مهم این است که در کودک این باور به وجود بیاید که کسی او را دوست دارد. بهترین راهکار عملی معصومان (ع) برای تقویت این باور، ابراز و اعلام دوستی به فرزندان است.

امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «وجدتك بعضی بل وجدتك کلی حتی کان شیئاً لو اصابك اصابنی و... فکتبت الیک کتابی هذا مستظهِراً به (نهج البلاغه، نامه ۳۹۱/۳۱)؛ من شما را قسمتی از خودم، بلکه خودم یافتم؛ به طوری که اگر چیزی بر شما وارد شود، بر من وارد شده است و ... این نامه را به شما نوشتم تا این مطلب [محبت به تو] را برایت بیان کرده باشم» ابو هریره نقل می‌کند: روزی حسن (ع) به محضر پیامبر (ص) آمد و در کنار رسول خدا (ص) نشست. حضرت دهانش را [به نشانه محبت] به دهان حسن (ع) نهاد و سه بار فرمود: «اللهم انی احبه و احب من یحبه (محمّدی اشتهاردی، سیره چهارده معصوم ۱۳۸۱: ۲۳۵)؛ بار خدایا، من او را بسیار دوست دارم. تو نیز کسی را که دوستدار اوست، دوست دار.»

ب - مصلحت اندیشی در ابراز محبت

در محبت کردن به کودک، نکته‌ها و ظرافتهایی وجود دارد که اگر به آنها توجه نشود، نتیجه‌ای معکوس در پی خواهد داشت. یکی از آن نکته‌های بسیار مهم که آموزه‌های دینی بر آن تأکید دارد، محبت کردن به فرزندان به طور مساوی است. در روایت آمده است: «نظر الی رجل له ابنان، فقبل احدهما و ترك الاخر. فقال النبی (ص) فهلا ساویت بینهما (طبرسی، مکارم الاخلاق ۱۴۱۲: ۱۱۳)؛ پیامبر (ص) مردی را می‌بیند که یکی از فرزندان را بوسید، اما به دیگری اعتنا نکرد. آن حضرت با مشاهده این رفتار به او فرمود: چرا با فرزندان به طور مساوی رفتار نمی‌کنی؟»

امام صادق(ع) از پدر گرامی خود نقل می‌کند: «به خدا قسم، رفتار من با بعضی از فرزندانم از روی تکلف و بی‌میلی است. او را بر روی زانوی خود می‌نشانم، محبت بسیار می‌کنم و... با اینکه همه این احترام و محبت، شایسته فرزند دیگر من است. به این تکلف تن در می‌دهم و او [فرزند شایسته] و برادرانش را بیش از حد احترام می‌کنم، برای اینکه فرزند شایسته‌ام از شر آنان مصون باشد» (میرعظیمی، حقوق والدین ۱۳۷۴:۳۶).

از مجموع داده‌های تربیت اسلامی که تحقیقات بشری نیز آن را تأیید می‌کند به دست می‌آید که محبت در زمانهای مختلف، آثار متفاوت دارد که مهم‌ترین و نخستین آن، اثر ایمنی و پیشگیرانه است. اگر شخصی کمبود محبت نداشته باشد، یعنی بجا و به موقع این نیاز را دریافت کرده باشد، در مقابل بسیاری از نابهنجاریهای روانی و بیماریهای جسمی بیمه خواهد شد. دومین اثر محبت کردن، اثر دارویی است. اگر شخصی به سبب عدم محبت یا به هرعلتی دچار اختلالات روحی و روانی و بیماریهای جسمی شود، محبت پادزهری است که سمهای کشنده را از جسم و جان او خارج می‌کند.

۲-۳. بازی

طبیعی‌ترین فعالیتی که بیشترین وقت کودک را به خود اختصاص می‌دهد بازی است. کودک ساعتها بدون اینکه احساس خستگی و کسالت کند به بازی مشغول می‌شود. رمز این شور و شوق در این است که میل به بازی از درون او می‌جوشد. این خود از شگفتیهای آفرینش است که در این سن و برای این روح لطیف چنین سرگرمی را در نظر گرفته است. بازی در زندگی کودکان نقش مهمی دارد. بازی از جمله در رشد عاطفی، بیان احساسات، ابراز عواطف و نیز در رشد اجتماعی و عقلانی کودکان تأثیر می‌نهد (شریعتمداری، روانشناسی تربیتی ۱۳۸۵:۱۲۴).

معصومان(ع) به این نیاز کودک توجه ویژه‌ای داشتند. روزی پیامبر(ص) از کنار محل کار عبدالله بن جعفر می‌گذشت و دید او از گل، اسباب بازی برای کودکان می‌سازد. بعد از سؤال و جواب درباره این حرفه و خرید و فروش آن، حضرت در حق عبدالله این گونه دعا کرد: «اللهم بارک له فی صفة یمنه (نوری، مستدرک الوسائل ۱۴۱۴/۱۶:۳۱۹)؛ خدایا به درآمد و دستمزد عبدالله برکت بده» پیامبر(ص) به همراه تعدادی از اصحاب از جایی می‌گذشت که کودکان با هم بازی می‌کردند. آن حضرت کنار یکی از آنان نشست و پیشانی‌اش را بوسید و او را بسیار نوازش کرد. همراهان پیامبر(ص) از علت این کار سؤال کردند. آن حضرت(ص) پاسخ داد: «افی رایت هذا الصبی یوما یلعب مع الحسین و رایته یرفع التراب من تحت قدمیه و یمسح به وجهه و عینیه (نوری، مستدرک الوسائل ۱۴۱۴:۴۴/۲۴۲)؛ روزی این کودک را دیدم که با حسین بازی می‌کرد و خاک زیر پای فرزندم را برمی‌داشت و به صورت و چشمانش می‌مالید.»

الف - مشارکت در بازی

کودک علاقه دارد پدر و مادرش همبازی او باشند. معصومان(ع) این علاقه را پاس می‌داشتند و در بازیهای کودکان شرکت می‌کردند و به آن رونق بیشتر می‌بخشیدند. جابر بن عبدالله نقل می‌کند: «دخلت علی النبی(ص) و هو یمشی علی اربع و الحسن و الحسین علی ظهره و ... (مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۴:۴۳/۳۰۴)؛ بر پیامبر(ص) وارد شدم در حالی که او با چهار دست و پا راه می‌رفت و امام حسن و امام حسین بر پشت آن حضرت سوار بودند» روزی سجده پیامبر(ص) طولانی شد. بعد از اتمام نماز مردم پرسیدند: یا رسول الله(ص) ما فکر کردیم که مسئله‌ای پیش آمده یا وحی بر شما نازل شده است! پیامبر(ص) فرمود: «کل ذلك لم یکن و لکن ابنی هذا ارتحلنی فکرت ان

اعجله حتی یقزی حاجته (مجلسی، بحارالانوار ۱۴۰۴: ۴۳۲/۵)؛ آنچه گفتید نبود، اما این فرزندم بر دوشم بالا رفته بود. از این رو، سزاوار ندیدم سجده‌ام را تمام کنم، تا بازی او تمام شود.»

پیامبری که نماز را ستون دین می‌خواند، آن قدر سجده‌اش را طول می‌دهد تا بازی کودک تمام شود. این رفتار پیامبر(ص) گویای اهمیت بازی در دوران کودکی است. متأسفانه گاهی مربیان و والدین اهمیت بازی را در رشد و نمو کودک درک نمی‌کنند به جای آنکه آنان را تشویق نمایند، مانع بازی آنان می‌شوند.

ب - آموزش ضمن بازی

نکته قابل دقتی که در سیره تربیتی پیامبر(ص) و ائمه(ع) وجود دارد این است: پیشوایان دینی از بازی مورد علاقه کودکان، نهایت استفاده را برای ایجاد انگیزه راجع به مسائل آموزشی و یادگیری فرزندان می‌کردند. اگر به نوع اسباب‌بازی‌هایی که اهل بیت(ع) در اختیار فرزندانشان قرار می‌دادند نگاه کنیم، روشن می‌شود که بازیها و سرگرمیها، جنبه آموزشی نیز داشته است. حسن و حسین(ع) خط نوشته بودند. هرکدام مدعی بودند که خطشان بهتر است و برای داوری خدمت مادر رسیدند. «فقلاً لفاطمة(س) احکمی بیننا و کانت لها قلادة، فقالت لهما: انا اتشر بینکما جواهر هذاه القلادة، فمن اخذه منهما اکثر، فخطه احسن (مجلسی، بحارالانوار ۱۴۰۴: ۳۰۹/۴۳)؛ امام حسن و امام حسین(ع) نزد مادر می‌آیند و به فاطمه(س) می‌گویند: میان ما داوری کن. فاطمه(س) گردنبندی داشت و به آن دو فرمود: من میان شما دانه‌های این گردنبند را می‌ریزم. هر یک از شما دانه‌های بیشتر بردارد، خط او نیکوتر است» حضرت فاطمه(س) برای اینکه این نوع سرگرمیهای آموزنده را در فرزندانش تقویت کند، با به راه‌انداختن بازی دیگر به داوری می‌پردازد. اگر به این داوری با دید منتقدانه بنگریم، به ما می‌گوید که رقابت حسن و حسین(ع) رقابتی جدی نبوده

است یا لافل مادر نمی‌خواسته که فرزندانش وارد رقابتی جدی شوند. از این‌رو، حضرت زهرا(س) برای ایجاد شور و هیجان بیشتر، دانه‌های گردن‌بند را روی زمین پخش می‌کند.

از نگاه فروبل، «بازیهای کودکان به منزله هسته حیاتی برای همه دوره‌های زندگی است، زیرا رشد بروز شخصیت کودک از راه بازی میسر است و در حقیقت بازی موجب بروز استعداد و شخصیت کودک می‌شود و از سوی دیگر می‌توان بسیاری از نابهنجاریهای کودک را از طریق بازی درمان کرد.» (عربی، روانشناسی کودک ۱۳۸۴).
ماریا مونته سوری، پزشک و مربی تربیتی، بازی را مدرسه بزرگی می‌داند که کودک در آن پرورش می‌یابد و نیروی بدنی، ذهنی و اجتماعی او رشد می‌کند و از هر جهت او را برای زندگی کردن آماده می‌سازد. (همان)

۳-۳. زیبایی خواهی

جلوه‌گری و زیبایی‌جویی، از ویژگیهای دوره جوانی است. جوان شفته زیبایی است؛ هم می‌خواهد خود را زیبا بنماید و هم زیبایی را دوست دارد (حسینی‌زاده، بررسی مسایل تربیتی جوانان در روایات ۱۳۸۶: ۴۰). اهل بیت(ع) به این گرایش درونی احترام گذاشته و در صدد تقویت و شکوفایی آن برآمده‌اند.
حسن و حسین(ع) در روز عید، خدمت جد بزرگوار خود رسول خدا(ص) رسیدند و به آن حضرت عرض کردند: بچه‌های عرب لباسهای نو و رنگارنگ پوشیده‌اند و ما لباس نو نداریم. آنان از جدشان تقاضای لباس نو کردند. پیامبر(ص) از یک سو، لباسی که سزاوار آنان باشد ندارد و از دیگر سو، وقتی فرزندانش را با این حال می‌بیند گریان می‌شود و طاقت نمی‌آورد که فرزندانش ناامید و دل‌شکسته شوند. لذا، برای برآوردن این نیاز عزیزانش از خداوند استمداد می‌کند: «الهی اجر قلبهما و قلب امهما. فنزل جبرئیل و معه حلتان بیضاوان من حلل الجنة و ... (مجلسی،

بحار الانوار ۱۴۰۴: ۲۴/۴۴؛ خدایا، دل‌های آنان را پرآرامش و دل مادر آن دو را نیز پرآرامش گردان. بدین سان، جبرئیل فرود آمد و دو لباس سپید از لباسهای بهشتی همراه خود برای آنها آورد.»

علی(ع) به اتفاق قنبر از بازار دو لباس، یکی به قیمت سه درهم و دیگری به قیمت دو درهم، خرید. سپس لباس سه درهمی را به قنبر داد. قنبر گفت: شما به آن سزاوارترید؛ چون بر منبر می‌روید و خطبه می‌خوانید. آن حضرت فرمود: «انت شاب و لك شره الشباب (حجازی، درر الاخبار ۱۳۶۴: ۷۱)؛ تو جوانی و شوق جوانی داری.» از رفتار و برخورد معصومان(ع) با این نیاز جوان به دست می‌آید که دین اسلام زیبایی‌خواهی را مقتضای سن جوانی می‌داند. از این رو، نه تنها بر آن خرده نگرفته که در ضمن جهت‌دهی و هدایت، پاسخ مناسبی به این میل داده است. «الشعر الحسن من كسوة الله تعالى فأكرمه (صدوق، من لا يحضره الفقيه ۱۳۶۷: ۱۲۹/۱)؛ پیامبر(ص) می‌فرماید: موی زیبا از جامه‌های خداوند متعال است. آن را عزیز بدارید.»

از آموزه‌های تربیتی اسلام استفاده می‌شود که رهسپار شدن به سوی کمال مطلق و پیمودن پله‌های منتهی به سوی خدا، نیازمند بدن و روان سالم است.

۴. شکوفایی حس دینی

هر کسی در عمق فطرت خویش با خداوند ارتباط حضوری دارد: «ولكن الله حيب اليكم الايمان و زينه في قلوبكم (حجرات: ۷)؛ خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده.»

گرچه ارتباط با خداوند ریشه در نحوه خلقت انسان دارد. اما از آنجا که حس دینی با تلاش آگاهانه کسب نشده است، برای بسیاری نامعلوم است و عدم آگاهی

حصولی به آن، فرد را در عالم برونی دچار اشتباه در تطبیق می‌کند. به همین دلیل، تربیت دینی یافته‌های حضوری فطرت را نه تنها تقویت می‌کند که مصادق خارجی آن را نیز مشخص می‌نماید. (هاشمی رکاوندی، تربیت و شخصیت انسان ۱۳۷۵: ۲۹/۳)

۴-۱. اعتقادی

اصول دین و مسائل اعتقادی از پشتوانه‌های مهم فکری و عقیدتی دینداری به حساب می‌آید و باید با استدلال و برهانهای محکم ثابت شود. به تعبیر دیگر، در مسائل اعتقادی نمی‌توان از کسی تقلید کرد و شخص باید خودش با استدلال به آن برسد. با توجه به آنچه درباره مسائل اعتقادی گفته شد، سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است: درباره فرزندان خردسال که توان درک مسائل استدلالی را ندارند وظیفه چیست؟

سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) نشان می‌دهد که آنان مسئله توحید و نبوت را از همان آغاز کودکی به فرزندانشان تلقین می‌کردند. اولین کلماتی که به گوش نوزاد زمزمه می‌کردند، حاوی اصول و مبانی اعتقادی اسلام بود. امام رضا (ع) نقل می‌کند: «ان النبي (ص) اذن في اذن الحسين (ع) بالصلاة يوم ولد» (مجلسی، بحارالانوار ۱۴۰۴: ۱۱۲/۱۰۴). اذان اقرار به توحید، نبوت، امامت و فراخواندن به سوی فلاح و رستگاری است. از آنجا که مفهوم این جملات با احساس درونی کودکان مجانس و مشابه است، احتمال درک این مفاهیم نیز برای آنان وجود دارد.

اهل بیت (ع) از سه سالگی مسائل اعتقادی را به فرزندان آموزش می‌دادند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اذا بلغ الغلام ثلاث سنين، يقال له سبع مرات: قل لا اله الا الله؛ ثم يترك حتى يتم له ثلاث سنين و سبعة اشهر و عشرون يوماً، فيقال له: قل محمد رسول الله (ص) سبع مرات و... (حرعاملی، وسائل الشیعه ۱۴۰۹: ۱۴۷/۲۱)؛ هنگامی که کودک به سه سالگی رسید، هفت بار «لا اله الا الله» به او تعلیم داده می‌شود. آنگاه

کودک به حال خود رها می‌شود تا سه سال و هفت ماه و بیست روز او کامل شود. آنگاه به او هفت بار «محمد رسول الله» تعلیم داده می‌شود و...»
از فرمایش حضرت استفاده می‌شود که مسائل اعتقادی را باید به کودکان خردسال آموزش داد، اما لازم نیست با استدلال و برهان همراه باشد. البته در احادیث آمده است: فراگیری مسائل اعتقادی باید همراه با استدلال باشد. مخاطب این احادیث کسانی‌اند که قدرت درک مسائل استدلالی و برهانی را دارند و معنای احادیث این است که برای کسانی که توان درک مفاهیم استدلالی را دارند، پسندیده نیست که در مسائل اعتقادی به آنچه از پدر و مادر شنیده‌اند بسنده کنند.

۲-۴. عبادی

اصل عبادت و روح پرستش در میان افراد بشر امری مسلم و پذیرفته است. بیشتر انتقاد قرآن از شرک در عبادت است نه فقدان آن، زیرا کمتر کسی است که فاقد عبادت باشد، اما اکثر مردم مسیر عبادتشان منحرف است (قرائتی: توشه تبلیغ). جامعه‌شناسان نیز به این مسئله اشاره دارند: «هر انسانی شاهد احساس مذهبی و گرایش درونی به یک قدرت مطلق و مقدس و تمایل به پرستش در نهاد خویش است.» (هاشمی رکاوندی، تربیت و شخصیت انسان ۱۳۷۵: ۱۹)

بنابراین، در سیره تربیتی اهل بیت(ع) بحث در شکوفایی و هدایت این فطرت «پرستش» است. امام علی(ع) می‌فرماید: «فبعث الله محمداً بالحق لیخرج عباده من عبادة الاوثان الی عبادته» (نهج البلاغه: خطبه ۱۴۷). در آموزه‌های دین اسلام کسی جز خداوند یکتا شایسته پرستش نیست.

احکام عبادی اسلام نمونه‌هایی از دعوت عملی مردم به توحید است. از پیامبر(ص) نقل شده است: «در آن هنگام که حسین(ع) هنوز زبان نگشوده بود، پیامبر(ص) برای انجام نماز مستحبی ایستاد. حسین(ع) نیز در کنارش بود. حضرت(ص) فرمود: «الله اکبر». حسین(ع) نتوانست این جمله را بگوید.

پیامبر(ص) شش بار این جمله را تکرار کرد، ولی حسین(ع) همچنان توان گفتن این جمله را به طور کامل نداشت. حضرت برای بار هفتم «الله اکبر» گفت، حسین(ع) زبان گشود و به طور کامل و شیوا «الله اکبر» را ادا نمود. «اشتহারدی، سیره چهارده معصوم (۱۳۸۱: ۳۱۰)». این سیره آموزشی حضرت، حکایت از توجه و اهمیت دادن به مسائل عبادی فرزندان دارد. لذا وقتی پیامبر(ص) می بیند که حسین(ع) او را در گفتن «الله اکبر» همراهی می کند، از ادامه دادن نماز مستحبی صرف نظر می کند و می کوشد که از فرصت به وجود آمده استفاده کند و تلفظ صحیح «الله اکبر» را به او آموزش دهد.

حضرت علی(ع) درباره اینکه فرزندش را چگونه با مسائل احکام آشنا کرده است می گوید: «و أبتدئك بتعليم كتاب الله و تأويله و شرائع الاسلام و احكامه و حاله و حرامه، لا أجاوز ذلك بك الى غيره (نهج البلاغه: نامه ۳۱/۳۹۴)؛ پس در آغاز پرورش، تصمیم گرفتم تا کتاب خدا را همراه تفسیر آیات به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام حلال و حرام آن را به تو تعلیم دهم و به چیزی دیگر نپردازم.» پیامبر(ص) و ائمه(ع) بعد از آموزش نظری احکام، هر چند به صورت ناقص، وارد مرحله عملی آموزش می شدند. در *فقه الرضا(ع)* آمده است: «و اما صوم التأديب، فانه يؤمر الصبي اذا بلغ سبع سنين، بالصوم تأديباً و ليس بفرض و ان لم يقدر الا نصف النهار فليفطر اذا غلبه العطش (نوری، مستدرک الوسائل ۱۴۱۴: ۳۹۱/۷)؛ اما روزه آموزشی و تربیتی آن است که به بچه ای هفت ساله دستور دهی تا در ماه رمضان روزه تمرینی بگیرد، نه واجبی؛ اگر کودک نتوانست تا شب روزه بگیرد، چنانچه نیمه روز تشنه شد باید افطار کند.» ابی هارون از امام صادق(ع) نقل می کند که حضرت به من فرمود: «یا اباهارون انا نأمر صبياننا بتسبيح فاطمة(س) كما نأمرهم بالصلاة و... (کلینی، الکافی ۱۳۶۵: ۳۴۳/۳)؛ ای پدر هارون، ما اهل بیت(ع) کودکان خود

را به خواندن تسبیح حضرت فاطمه(س) دستور می‌دهیم، همان‌طور که به نماز خواندن دستور می‌دهیم.»

در این بخش (عبادی) از سیره دو نکته بسیار مهم و کاربردی قابل استفاده است. نخست اینکه زمان آموزش عملی روزه به کودکان از هفت سالگی به بعد است. نکته دوم این است که تا قبل از رسیدن به سن تکلیف، بایدها و نبایدها متوجه والدین است و پس از سن تکلیف متوجه خود فرزندان؛ یعنی در زمان طفولیت مادام که فرزند به سن بلوغ نرسیده، این والدین‌اند که باید احکام را به فرزندان آموزش دهند. این آموزش نیز باید به گونه‌ای باشد که هیچ اجبار و اکراهی در آن نباشد. اما همین که فرزندان به سن تکلیف رسیدند، قضیه فرق می‌کند. معصومان(ع) در این مرحله، بایدها را متوجه فرزندان می‌دانستند. امام کاظم(ع) به فرزندش می‌فرماید: «پسرم، برحذر باش از اینکه خداوند تورا در حال معصیتی ببیند که از آن نهی فرموده است و برحذر باش از اینکه خداوند تو را در حال طاعتی که دستور انجام آن را داده است نبیند.» (قرشی، نظام تربیتی اسلام ۱۳۶۱: ۲۹۰)

۵. شکوفایی جامعه پذیری

از مسائل بسیار مهمی که اهل بیت(ع) در برقراری روابط اجتماعی فرزندان به آن اهتمام داشتند، رفتار نکوی فرزندان با دیگران است. ابوحمزه ثمالی در این باره می‌گوید: «امیرالمؤمنین علی(ع) به پسرانش وصیت کرد: ای پسران من، چنان با مردم به خوبی معاشرت کنید که اگر از آنها غایب شدید مشتاق دیدن شما باشند و اگر مرید بر شما بگریند.» (سبط بن جوزی، شرح حال و فضایل خاندان نبوت ۱۳۷۹: ۱۹۷).

آن حضرت در جای دیگر خطاب به امام حسن(ع) می‌فرماید: «یا بنی أجمع لفسک میزانا فیما بینک و بین غیرک، فأحب لغيرک ما تحب لنفسک، واکره له ما تکره لها و لا تظلم کما لا تحب أن تظلم و أحسن کما تحب أن یحسن الیک (نهج البلاغه:

نامه (۲۹۷/۳۱)؛ ای پسر من نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرارده. پس آنچه را برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند؛ ستم روا مدار، آن گونه که دوست نداری به تو ستم شود. نیکوکار باش، آن گونه که دوست داری به تو نیکی کنند.» همچنین پیامبر(ص) به فرزندش حضرت فاطمه(س) می‌فرماید: «لیس من المؤمنین من لم یأمن جاره بوائقه (قرشی، حیات المحرر الاعظم لرسول الاکرام محمد ۱۳۲۵: ۱۵۶۲)؛ هرآنکه همسایه‌اش از بدیهای کرداری وی در امنیت نباشد، از مؤمنان نیست.»

یکی از گروههای مهم اجتماعی که نقش برجسته‌ای در انتقال فرهنگ، ارزشها و هنجارهای اجتماعی دارد، دوستان و همسالان است. فرزندان در مرور زمان به مرحله‌ای می‌رسند که از شدت وابستگی آنان به پدر و مادر کاسته می‌شود و به دنبال کسب استقلال و در پی برقرار کردن ارتباط با دوستان جدید بر می‌آیند با توجه به اثرپذیری نوجوانان از گروه همسالان، همان قدر که زمینه‌هدایت آنها فراهم است، زمینه انحراف نیز مهیاست. لذا می‌بینیم که اهل بیت(ع) موانع زندگی سالم را در مواجهه با جریان اجتماعی شدن به فرزندان گوشزد می‌کردند و آنان را در انتخاب دوستان مناسب یاری می‌رساندند. امام سجاد(ع) به یکی فرزندانش می‌فرماید: «یا بنی انظر خمسة فلاتصاحبهم و لاتحدتهم و لاترفقهم فی طریق و... (حرانی، تحف العقول ۱۴۰۴: ۲۷۹)؛ فرزندانم، متوجه پنج گروه باش و با آنها همنشین، هم‌گفتار و رفیق راه مشو: دروغگو، فاسق، بخیل، احمق، و کسی که با خویشاوندش قطع رابط کرده باشد.»

نتیجه‌گیری

از سیره تربیتی اهل بیت(ع) به دست می‌آید که سرکوب بعضی از ابعاد وجودی انسان یا پرورش ناموزون آن، از جمله آسیبها و چالشهایی است که فراروی فرایند تربیت صحیح کودک و نوجوان قرار دارد.

در سیره تربیتی اهل بیت(ع)، شکوفا نمودن استعدادهای فطری انسان یک اصل است که با ایجاد زمینه‌های مناسب، رفع موانع و با استفاده از شیوه‌های مؤثر امکان پذیر است. با توجه به ذوابعاد بودن انسان، مسئله مهم‌تر ایجاد تعادل و هماهنگی میان جنبه‌های مختلف انسان است که در مکتب تربیتی اهل بیت(ع)، به همه ابعاد، البته با عنایت به اهمیت و کارکرد هر یک و لحاظ مجموع آن و با مبنا قرار دادن جهت الهی، توجه شده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، قم: دارالهجره، بی تا.
۳. «ختنه»، دانش و فن (bbc Persian.com).
۴. «ختنه»، سایت اینترنتی (niksalehi.com) به نقل از: هفته نامه سلامت.
۵. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۹ ق.
۶. اصفهانی، عمادالدین حسین، زندگانی امام حسین(ع)، ناصر خسرو، سوم، زمستان ۱۳۶۶.
۷. باقری، خسرو، «پژوهشی برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۸۰.
۸. حجازی، خسرو شاهی، دررالآخبار، بی تا.
۹. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل البیت(ع)، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. حسینی زاده، سید علی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سوم، ۱۳۸۶.
۱۲. دورانت، ویلیام جیمز، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، علمی فرهنگی کتبی، چهاردهم، ۱۳۸۰.
۱۳. رحمانی همدانی، احمد، فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر(ص)، ترجمه حسن افتخارزاده سبزواری، دفتر تحقیقات و بدر، سوم، ۱۳۷۶.
۱۴. رزاقی، هادی، «تأثیر بینش بر انگیزش در تربیت دینی و اخلاقی»، مجله معرفت، شماره ۶۹، شهریور ۱۳۸۲.
۱۵. رشیدپور(فوق تخصص تغذیه) پایگاه اطلاع رسانی تغذیه و سلامت (www.behsitejr).
۱۶. ری شهری، محمد، میزان الحکمة، دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.

۱۷. سبط بن جوزی، یوسف ابن قیزغلی، شرح حال و فضائل خاندان نبوت، ترجمه محمد رضا عطایی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹.
۱۸. سحاب، ابوالقاسم، سرورالغواد، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۶۴.
۱۹. شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، امیرکبیر، نوزدهم، ۱۳۸۵.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین، ۱۳۶۷.
۲۱. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۲۲. عربی، فاطمه، روان شناسی کودک، galaxyroad.com، ۱۳۸۴/۳/۱۰.
۲۳. قرائتی، محسن، توشه تبلیغ، (نرم افزار)
۲۴. قرشی، باقر شریف، نظام تربیتی اسلام، قم، فجر، اول، ۱۳۶۱.
۲۵. قرشی، باقر شریف، حیاة المحررالاعظم الرسول الاکرم محمد(ص)، مهر امیرالمؤمنین، ۱۳۲۵.
۲۶. کدیور، پروین، روان شناسی تربیتی، سمت، هفتم، ۱۳۸۲.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۵.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۹. محمدی اشتهدادی، محمد، سیره چهارده معصوم(ع)، مطهر، چهارم، ۱۳۸۱.
۳۰. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا، پنجاه و یکم، ۱۳۸۶.
۳۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، دهم، ۱۳۸۲.
۳۲. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، هشتم، ۱۳۷۱.
۳۳. میر عظیمی، جعفر، حقوق والدین، رسالت، سوم، ۱۳۷۴.
۳۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۳۴. هاشمی رکاوندی، مجتبی، تربیت و شخصیت انسان، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۵.
۳۵. <http://www.salamatiran.com>